معرفی برگزیدگان جشنواره تقدیر از مروجان کتابخوانی

مراسم پایانی هفتمین دوره جشنواره تقدیر از افراد و گروه‌های مروج کتابخوانی شامگاه یکشنبه ۳ اسفند، آنلاین برگزار شد. خبر را روابط‌عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داده و نوشته که برگزیدگان در حضور محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش‌های گروه‌های ترویج کتابخوانی، بین‌الملل، نگاه ویژه، امامان جماعت و در بخش افراد معرفی شدند.

«آسمان ابری» همایون شجریان منتشر شد

دیروز نخستین قسمت از سریال «می‌خواهم زنده بمانم» منتشر شد و بنابراین از قطعه‌ای که همایون شجریان برای تیتراژ این سریال خوانده بود نیز رونمایی شد؛ همایون، موزیک‌ویدئوی این اثر را که با آهنگسازی غلامرضا صادقی و شعر زنده‌یاد حسین منزوی و غلامرضا طریقی همراه است و «آسمان ابری» نام دارد در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد.

ضمایر [او]

واکنش آلن به مستند جنجالی

وودی آلن اتهاماتی را که در سریال «آلن در مقابل فارو» به او وارد شده، رد کرد

وودی آلن آن‌قدر محبوب است که حتی با وجود همه اتهام‌ها در سال‌های اخیر علیه او، همچنان هواداران خود را دارد. البته مشخص است که طرح این اتهام‌ها، او را تحت فشار قرار داده و طبعا از میزان طرفداران او کاسته‌است. ماجرای اتهامات واردآمده به او، به آنجا رسید که یک گروه خواستند سریالی درباره آن اتهامات بسازند؛ سریالی که سرانجام قسمت اولش پخش شد و حالا با واکنش آقای کارگردان روبه‌رو شده‌است. وودی آلن، در بیانیه‌ای با انتقاد از سریال جدید شبکه «HBO» آن را اثری غرض‌آمیز و اطلاعات موجود در آن را بی‌اساس خواند.

هالیوود رپورتر این حرف‌ها را منعکس و ایسنا آنها را ترجمه کرده‌است. با انتشار قسمت نخست سریال مستند «آلن در مقابل فارو» از شبکه اچ‌بی‌او که به اتهامات اخلاقی مطرح شده علیه وودی آلن از سوی دیلن فارو، دخترخوانده‌اش پرداخته، این کارگردان ۸۵ساله با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد امی زیرینگ و کربی دیک که کارگردانی این مستند را برعهده دارند در واقع هیچ علاقه‌ای به حقیقت نداشته‌اند و آنها را متهم به همدستی با دیلان فارو و عاملان آنها کرد.

در قسمت اول سریال مستند و چهار قسمتی «آلن در مقابل فارو» که یکشنبه شب منتشر شد، دیلان فارو دختر میا فارو بازیگر هالیوودی و همسر سابق وودی آلن، به صورت مفصل جزئیات اتهامات اخلاقی‌اش را نسبت به آلن مطرح کرد.

گفته می‌شود این مستند به اطلاعات بی‌سابقه‌ای درباره اتهامات وودی آلن دسترسی داشته اما او در بیانیه تازه منتشر شده‌اش به طور کلی این اتهامات را رد کرده و با انتقاد از شبکه اچ‌بی‌او برای روی آنتن بردن این مستند، گفته‌است: «من از این بابت شگفت‌زده نیستم چراکه شبکه HBO یک قرارداد تجاری با رونان فارو امضا کرده‌است.»

رونان فارو، روزنامه نگار معروف و فرزند وودی آلن و میا فارو است که نقش مهمی در افشای رسوایی اخلاقی هروی واینستاین، تهیه‌کننده هالیوودی در سال ۲۰۱۸ داشت.

سال ۱۹۹۲، دیلان فارو دخترخوانده آلن، او را به آزار و اذیت جنسی متهم کرد و اگرچه در تحقیقات مدرکی برای اثبات گناه آلن پیدا نکرد اما وی نزدیک به سه دهه است با این اتهامات روبه‌روست.

آلن پیش از این درباره ادعاهای دخترخوانده‌اش گفته است: بیش از ۲۵ سال پیش این ادعاها مطرح شد، پرونده به طور کامل توسط کلینیک سوءاستفاده جنسی از کودکان در بیمارستان ییل نیو و سازمان رفاه کودکان نیویورک مورد بررسی قرار گرفت. آنها چند ماه روی این قضیه کار کردند و مستقلا نتیجه گرفتند هیچ تعرضی در کار نبوده‌است. در عوض، آنها متوجه شدند احتمالا یک کودک آسیب‌پذیر از سوی مادر عصبانی‌اش که درگیر طلاقی پرتنش بوده، راهنمایی شده تا این داستان را سرهم کند.

مروری بر فراز و نشیب‌های بازار فیلم فجر در آستانه دوره بیست‌وسوم این جشنواره جهانی

سینمای بی‌خریدار

فاطمه ترکاشوند

فرهنگ و هنر

بیست‌وسومین بازار فیلم ایران در جشنواره جهانی فیلم فجر امسال قرار بود از ۲۸ فروردین‌ماه تا پنجم اردیبهشت ۱۳۹۹ در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر برگزار شود که کرونا طومار برنامه‌ریزی‌های همه رویدادهای هنری را درهم پیچید، اما به هرحال پس از نوروز ۱۴۰۰ قرار است به استقبال بیست‌وچهارسالگی مهم‌ترین رویداد اقتصادی-فرهنگی سینمای ایران در عرصه بین‌المللی برویم. با نزدیک شدن به ربع قرن عمر این رویداد، حالا بیش از هر زمان دیگری باید به کارنامه آن با دقت نظر افکند و موفقیت‌ها و شکست‌های آن را مورد ارزیابی قرار داد.

معمولا بازار فیلم با بخش بین‌الملل جشنواره فجر یکی در نظر گرفته می‌شود اما این دو رویداد کاملا متمایز هستند و اهداف و عملکردهای متفاوتی هم دارند. درواقع جشنواره فجر از همان ابتدا بخش بین‌الملل را در خود گنجانده بود و هرچند در طول ۳۹ دوره، این رویداد بارها دچار تحولات اساسی شد، اما به هرحال مثل جشنواره فجر، حالا در آستانه ۴۰ سالگی‌اش قرار گرفته است.

تولد در دامن سیفا... داد

اما آغاز کار «بازار فیلم» به دوره شانزدهم جشنواره فجر به دبیری زنده‌یاد سیفا... داد در سال ۱۳۷۶ برمی‌گردد. همان دوره‌ای که اگر بخواهید خوب به یادش بیاورید، موفقیت فیلم‌های «آژانس شیشه‌ای» حاتمی‌کیا، «درخت گلابی» داریوش مهرجویی و «تولد یک پروانه» مجتبی راعی در بخش ملی جشنواره، این یادآوری را برای‌تان آسوده‌تر خواهد کرد. از همین دوره هم بود که برای اولین بار «سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران» به سیمرغ‌های فجر اضافه شد و بزرگداشت سینماگران ایرانی در برنامه جشنواره قرار گرفت و البته بخش بین‌الملل فجر هم رقابتی شد.

در واقع دوره شانزدهم با رقابتی کردن بخش بین‌الملل و اضافه کردن بازار، زیرساخت فجر را به یک رویداد سینمایی فعال جهانی ارتقا داد و آن را از شمایل یک عنوان صوری «جشنواره بین‌المللی» خارج کرد. شاید علت تمرکز امروز ما بر این عنوان و محک زدن این ادعا یعنی «جهانی بودن» فجر هم به همین تلاش بازگردد که ریشه‌های آن را مرحوم داد در زمین سینمای ایران کاشت.

توسعه همگام با علیرضا رضاداد

اما محرک بعدی برای جان دادن به بخش جهانی فجر در دوره بیست‌ودوم، سال ۱۳۸۲ اتفاق افتاد. در این دوره که به دبیری علیرضا رضاداد برگزار شد، رویکرد بازار فیلم تغییر کرد و از شکل معرفی محصولات به شکل خرید و فروش سینمایی و تلویزیونی ارتقاء یافت.

در دوره بیست‌وسوم، رضاداد مجددا در جایگاه دبیری جشنواره تثبیت شد تا رویکرد توسعه بخش بین‌الملل فجر ادامه یابد. بخش بین‌الملل فجر در این دوره در دو بخش مستقل «جلوه‌گاه شرق» و «جام جهان‌نما» برگزار شد که هر دو رقابتی بودند و در ترکیب هیات داوران آنها اسامی داورانی از کشورهایی مختلف شرق و غرب جهان دیده می‌شد. جلوه‌گاه شرق به سینمای آسیا و کشورهای اسلامی می‌پرداخت و جام جهان‌نما نیز مسابقه سینمای بین‌الملل را مورد توجه

یادداشت

زنده‌باد بیلان کاری

رامین رحیمی

پخش‌کننده و کارشناس اقتصاد فیلم

در بحث تحلیل و آسیب‌شناسی بازار فیلم سینمای ایران در جهان باید گفت اساسا سینمای ما به اصطلاح جزو کشورهای جنوب قرار می‌گیرد، یعنی فیلم‌های مستقل که ضدجریان اصلی سینما هستند و در دسته فیلم‌های شمال آفریقا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و آسیای‌شرقی قرار دارد. در چند سال اخیر بازار این فیلم‌ها به‌شدت محدود شده، چون مخاطب آن کاهش یافته است. طبیعتا خریدارها و نمایش‌دهنده‌های این فیلم‌ها هم کمتر شده است. حتی فستیوال‌های الف هم تحت‌تاثیر مخاطب جهانی و بازار جهانی قرار گرفته‌اند و وزن سینمای جریان اصلی و ستاره‌هایی که این جشنواره‌ها برای فرش قرمز و داوری‌ها دعوت می‌کنند و فیلم‌هایی که در فهرست بخش مسابقه قرار می‌دهند، بر جریان سینمای کشورهای جنوب غلبه دارد. این نمایشگری بیشتر برای سینمای جهان اهمیت دارد. بنابراین بازار جهانی سینمای ایران محدودتر شده است، نهایتا به سالن‌های بسیار اندک در برخی کشورها که آن هم سالن‌های آلترناتیوسینما یا سالن اکران فیلم‌های مستقل هستند یا در تلویزیون‌هایی به نمایش درمی‌آیند که فیلم‌های فرهنگی، آرتیستیک و تجربی مثل آرته، زددی‌اف و ان‌اچ‌کی پخش می‌کنند. اساسا درآمدزایی این بازار و مخاطب آن هم کمتر شده است و این یک آسیب جهانی برای این سینما محسوب می‌شود.

از طرف دیگر روش‌هایی در این بازار وجود دارد که سینمای ایران بتواند آثار خود را عرضه کند. طبیعتا حضور در فستیوال‌های بزرگ و رده الف که بازارهای مهمی دارند و پخش‌کننده‌ها و خریداران مهم از شبکه‌های تلویزیونی و فستیوال‌های دنیا حضور پیدا می‌کنند، بسیار مهمتر است تا بازارهای محدود و منطقه‌ای.

من جشنواره جهانی فیلم فجر را جهانی و بین‌المللی نمی‌دانم، چون فستیوال جهانی تعریفی دارد که نمایش آثار روز جهانی بدون ممیزی و با حضور عوامل است. طبعا داوران مطرحی از کشورهای جهان هم باید حضور داشته باشند. نمونه‌اش جشنواره جهانی فیلم تهران بود که سال‌ها قبل برگزار می‌شد که آثار ایرانی در کنار فیلم‌های بین‌المللی با حضور داورانی از کشورهای مختلف مورد قضاوت قرار می‌گرفت. طبیعتا افراد مهم و تاثیرگذار سینمای جهان هم دعوت می‌شدند که به توسعه سینمای ایران کمک کنند. به طور بالقوه اساسا هدف فستیوال‌ها در هر کشوری رونق سینمای ملی خودشان است و در وهله بعد معرفی آثار کمتر شناخته شده و کشف سینمای کشورهای دیگر. من این تعریف را درباره جشنواره جهانی فیلم فجر ندارم، بنابراین حتی بازار منطقه‌ای هم برای آن تعریف نشده است که بتوانیم حداقل مخاطب خاورمیانه را مدنظر قرار دهیم و سینماگران و فیلم‌هایی از این کشورها با رویکرد توسعه سینمای ملی ایران در آن شرکت کنند. منظور از سینمای ملی، همه فیلم‌هایی است که در ایران تولید می‌شود. متاسفانه این‌طور نیست و حتی در خاورمیانه هم سینمای بالیوود و هالیوود به‌خصوص در کشورهای عربی، بیشتر مخاطب دارند. بنابراین اکران فیلم‌های ما به سینه‌تک‌ها و آرت‌هاوس‌ها و فضاهای هنری این چنینی محدود شده است. البته گاهی برخی سینماهای فرهنگی در مناطق فرهنگی بعضی شهرهای منطقه مثل استانبول یا دبی، هم تعدادی از فیلم‌های ایرانی را نمایش می‌دهند که بیشتر مخاطبانش دانشجویان و علاقه‌مندان جدی‌تر سینما سینه‌فیل‌ها هستند.

این‌که ما چقدر در همه این سال‌ها توانسته‌ایم افراد و پخش‌کننده‌ها و خریداران مهم سینمای دنیا را دعوت کنیم، مشخصا این‌طور نبوده است و تهیه‌کننده‌ها و پخش‌کننده‌های مهم جهانی به ایران نیامده‌اند. چون غالبا رویکرد ما فستیوالی بوده است و جشنواره‌های ما هم از دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به جریان ضدسینمای اصلی جهان تبدیل شد. البته این جریان در دهه ۹۰ میلادی توانست به اوج خود برسد که در ۲۰ سال اخیر افت کرده است.

این‌که چقدر حضورهای ما در بازارهای فیلم جهانی مهم بوده، باید به این واقعیت اشاره کنیم که فستیوال‌های جهانی دیگر کمتر با ارگان‌های دولتی ایران همکاری می‌کنند و باتوجه به پیشرفت اینترنت و فضای الکترونیک، آثار به‌صورت فایل در یک سایت، بارگذاری و برای فستیوال‌ها ارسال می‌شوند. یا احیانا زودتر از موعد نماینده‌ای از فستیوال به ایران می‌آید (مثل خانم آنکه لوکه از جشنواره برلین) و فیلم‌ها را می‌بیند یا فستیوال‌ها، مشاور ایرانی دارند (مثل آقای حقیقت که سال‌ها با جشنواره کن همکاری می‌کرد) و ....

متاسفم این را بگویم که فعالیت‌های ارگان‌های دولتی در حوزه بین‌المللی بیشتر بیلان کاری بوده و معمولا این‌طور شده که مدیران و دست‌اندرکاران در این زمینه بیشتر یک رزومه‌کاری در طول سال ارائه دهند و ثبت کنند. طبیعتا این دوستان باید ماحصل فعالیت‌های خود را گزارش دهند که ما در فستیوال‌های مهمی حضور داشتیم و این اثرات را هم برای سینمای ایران ایجاد کردیم. چون ما همیشه با آمار بازی می‌کنیم و تعداد و کمیت مدنظرمان است. اما باید نتیجه مهم باشد که ما چقدر توانستیم توان مالی سینمای ایران را گسترش دهیم، چقدر تولید مشترک استاندارد داشتیم، چقدر در معرفی فیلمسازان و ارزآوری برای سینمای ایران موفق عمل کرده‌ایم که متاسفانه این‌طور نبوده است. چون ما پروتکلی در زمینه فعالیت‌های فرهنگی با کشورهای دنیا نداریم و این ایزوله بودن، آسیب جدی به گسترش تجارت بین‌المللی سینمای ایران زده است.

نکته قابل اشاره دیگر این‌که غالب مهمان‌های خارجی جشنواره جهانی فجر هم با هزینه و بودجه جشنواره و برای پرکردن ویترین و آمار دعوت می‌شوند اما بیشتر فروشنده هستند تا خریدار و عمدتا برای فروش محصولات خود به ایران می‌آیند.

ضمن این‌که در این سال‌ها شاهد تولیداتی به عنوان تولید مشترک سینمای ایران با برخی کشورها هستیم، در حالی که تولید مشترک تعریفی دارد و باید میزان سرمایه آورده کشورهای تولیدکننده اثر مشترک باشد و سودآوری هم در عرضه اتفاق بیفتد و نه فقط در تولید. یعنی همانطور که پارتنری از کشور دیگر داریم، به‌طور همزمان در بحث پخش فیلم و مخاطب هم از آن کشور استفاده کنیم. متاسفانه در این بخش هم این‌طور نیست.

در این یک سال اخیر و به دلیل شیوع کرونا هم به شدت همه جا ازجمله بازارهای سینما تعطیل یا دچار رکود است. سینمای ما به بعد از کرونا هم فکر نکرده و نمی‌داند چگونه و با چه آثاری به بازار فیلم جهان ورود کند.

این را هم صادقانه بگویم که بخش عمده حضورهای جهانی سینمای ما هم به خاطر تمایل کشورهای دیگر بوده است و به

متاسفم این را بگویم که فعالیت‌های ارگان‌های دولتی در حوزه بین‌المللی بیشتر بیلان کاری بوده و معمولا این‌طور شده که مدیران و دست‌اندرکاران در این زمینه بیشتر یک رزومه‌کاری در طول سال ارائه دهند و ثبت کنند

کتاب [عطف]

کتابفروشی چاپ‌ونشر بین‌الملل «نعمت جان» را رونمایی می‌کند

جنگ از نگاه یک پرستار

مراسم رونمایی کتاب «نعمت جان» با حضور سمانه نیکدل نویسنده، صغری بُستاک راوی کتاب و معصومه رامهرمزی نویسنده و از امدادگران دفاع‌مقدس فردا در کتابفروشی چاپ‌ونشر بین‌الملل برگزار می‌شود.

کتاب نعمت جان که به‌تازگی توسط انتشارات راه‌یار راهی بازار نشر شده، خاطرات صغری بستاک، امدادگر و پرستار جنگ تحمیلی را روایت می‌کند. بستاک، سال ۱۳۳۷ در اندیمشک متولد شده و فعالیت‌هایش را پیش از پیروزی انقلاب شروع کرده است. پس از انقلاب هم در نهادهای انقلابی مانند بنیاد مستضعفین، نهضت سوادآموزی، کمیته امداد و نهایتا بیمارستان شهید کلانتری اندیمشک خدمت کرده است. اواخر سال ۱۳۶۶ با دعوتنامه‌ای از طرف تعاون سپاه، در کنار امدادگری، مسؤول گروه انصارالمجاهدین شد.

در پشت جلد این کتاب که سومین عنوان ناشر در رده زنان انقلاب و دومین عنوان در رده پشتیبانی جنگ به شمار می‌آید، نوشته شده: «دست تنها بودم. همه پرستارها سرشان شلوغ بود و کسی نبود کمکم کند. تا آن‌موقع چنین کاری نکرده بودم، خیلی می‌ترسیدم. زیرلب صلوات می‌فرستادم تا آرام شوم. به امام زمان(عج) توسل کردم. گازاستریل، قیچی، باند، پنس، بتادین و چند وسیله دیگر را برداشتم که تلفن زنگ خورد. آقای عسکری از تبلیغات پشت خط بود، پرسید: «توی بخش کمک می‌خواید؟» گفتم: «خدا خیرت بده. زود بلند شو بیا.» رفتم بالای سر مجروح. بهش گفتم: «مجبوریم همین‌جا ترکش رو دربیاریم. نمی‌تونم بیهوشت کنم. تحمل درد رو داری؟» چشم‌هایش بی‌رمق بود. نگاهی انداخت بهم و گفت: «آره... فقط درش بیارید... سینه‌ام داره می‌سوزه.»

مراسم رونمایی کتاب نعمت جان، ساعت ۱۶ در کتابفروشی چاپ‌ونشر بین‌الملل واقع در میدان فلسطین با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی برگزار می‌شود.

لازم به ذکر است کتاب نعمت جان در ۲۰۸ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۲۵ هزار تومان توسط انتشارات راه‌یار منتشر شده است و علاقه‌مندان علاوه بر کتابفروشی‌ها، می‌توانند از طریق صفحات مجازی ناشر به نشانی raheyarpub یا سایت vaketab.ir این کتاب را تهیه‌کنند.

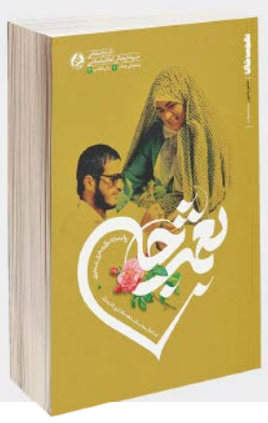

سینمای جهان [کات]

قوم «واکاندا» گسترش پیدا می‌کند!

رایان کوگلر دنیای بلک پنتر یا همان پلنگ سیاه خود را گسترش داده و ماجراجویی‌های شخصیت‌های مختلف آن را، در قالب‌های تازه تعریف می‌کند. او قرارداد همکاری پنج ساله‌ای با شرکت والت دیزنی تهیه‌کننده اکشن کمیک استریپی «بلک پنتر/ پلنگ سیاه» امضا کرد تا چند مجموعه جدید را براساس قوم آفریقایی واکاندا بسازد. مجموعه اول با نام «واکاندا» جلوی دوربین می‌رود. در اولین قسمت مجموعه فیلم بلک پنتر، تماشاگران با قومی آفریقایی به نام واکاندا آشنا شدند که یک زندگی مخفی دارند و نگران آن هستند که غریبه‌ها با اطلاع یافتن از گنجی که در سرزمین خود دارند به آنها حمله و نابودشان کنند.

در داستان فیلم، شخصیت‌های متعددی با توانایی‌های خاص معرفی شدند. حالا کوگلر به دنبال آن است که در چند مجموعه مستقل تلویزیونی، داستان زندگ

کند. طبق قرارداد این فیلمساز

سینمایی نقش‌هایشان را در این

در مجموعه واکاندا هم همین ب

سینمایی‌شان قرار خواهند گرف

بعد از مجموعه واکاندا، سراغ تع

شخصیت‌های مجموعه فیلم بلک

زمان تولید و پخش واکاندا و بقیه م

اینها در شرایطی است که کوگلر ک

بلک پنتر را اواخر سال جاری می

بازمن، بازیگر نقش شخصیت ای

است، تهیه‌کنندگان فیلم اعلام نک